



دانشگاه باقرالعلوم

دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

دانشکده: علوم سیاسی

پایا نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: علوم سیاسی

عنوان:

ضوابط فقهی تعامل دول مسلمان با دول

غیر مسلمان در عرصه بین الملل

استاد راهنما:

دکتر احمد رهدار

استاد مشاور:

دکتر محمد ستوده

نگارش:

امید زارعی

آذر ۱۴۰۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماحصل آموخته‌هایم را تقدیم می‌کنم به او که مهر آسمانی‌اش، آرام بخش آلام زمینی‌ام است؛

مادرم

که هرچه آموختم در مکتب عشق او آموختم و هرچه بکوشم قطره‌ای از دریای بی‌کران
مهربانیش را سپاس نتوانم بگویم. امروز هستی‌ام به امید توست و فردا کلید باغ بهشت
رضای تو.

بوسه بر دستان پرمهرت

چکیده:

تکوین قواعد فقه را می‌توان هم‌زمان با تاریخ نزول آیات فقهی قرآن و تکوین شریعت دانست زیرا بسیاری از قواعد فقهی ریشه در آیات قرآن دارد؛ مانند قاعده «نفی حرج»، «نفی سبیل» و «لزوم عقد» و برخی دیگر نیز با احادیث شکل گرفته است؛ مانند قاعده «لا ضرر»، «اتلاف» و «لزوم شرط».

قواعد فقه در حوزه حقوق بین‌الملل مانند دیگر حوزه‌های علم حقوق به معنی احکام کلی و اصول زیربنایی مستخرج از ادله معتبر شرعی است که بر موارد و فروع متعدد و قابل توجهی صدق می‌کند و به بیان دیگر وضعیت آن مصادیق را به لحاظ شرعی معین و مشخص می‌سازد. به کمک این قواعد می‌توان دیدگاه اسلام را در مسائل مربوط به حقوق بین‌الملل به دست آورد.

در پارادایم کلاسیک جامعه‌شناسی سیاسی، ساختارهای اقتدار در سطح جهانی، رابطه میان حکومت‌ها و فرآیندهای جهانی شدن در عرصه اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ارتباطات، هویت‌های فراملی طبقاتی، بخش‌های اجتماعی فراملی و غیره اولویت یافته‌اند. بنابراین با توجه به اینکه در جهان امروز، ارتباطات مؤلفه‌ای از قدرت است، فقه سیاسی می‌بایست این ارتباط را نهادینه کند تا برای نظام سیاسی تولید قدرت نماید.

وجود یک سری قواعد عام و شامل در فقه سیاسی مقتضی نوعی تعامل خاص میان کشورهای مسلمان و غیر مسلمان است که ضوابط فقهی آن را تبیین می‌نماید.

نوشته حاضر تلاش کرده است تا برخی از مهم‌ترین قواعد فقهی را در حوزه روابط بین‌الملل به کارگیری نماید. در این پژوهش برخی از مهم‌ترین مسائل روز کشور در عرصه بین‌المللی از دیدگاه قواعد فقهی ناظر به آنها مورد بررسی قرار گرفته است. قواعد فقهی نفی سبیل، لاضرر، اعتداء به مثل، الزام، دعوت و وداد، از قواعدی می‌باشند که به عنوان قواعد فقهی پرکاربرد در عرصه بین‌الملل، جهت بررسی موردی برخی مسائل بین‌المللی در حوزه تعامل دول اسلامی و غیر اسلامی (دارالحرب و دارالهدنه)، انتخاب شده‌اند.

مسئله اعزام دانشجویان به خارج از کشور، سند ۲۰۳۰، مذاکرات هسته‌ای و برجام، مسئله حمایت ایران از سوریه، استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی، مسئله صدور انقلاب و رابطه ایران با روسیه و چین از جمله مباحث روزی هستند که در این تحقیق از منظر قواعد فقهی مورد بازنگری قرار گرفته است.

فصل اول کلیات و مفاهیم ۱

۱- بیان مسأله: ۲

۲- سوال اصلی تحقیق: ۳

۳- سوالات فرعی: ۳

۴- اهمیت مساله و ضرورت تحقیق: ۴

۵- پیشینه تحقیق: ۴

۷- اهداف تحقیق: ۷

۸- چارچوب مفهومی: ۸

۹- سازمان دهی تحقیق: ۱۰

فصل دوم: ضوابط عام فقهی حاکم بر تعامل دول مسلمان با دول غیر مسلمان ۱۱

۱-۲- قاعده "نفی سییل" ۱۲

۱-۲- مفهوم قاعده نفی سییل ۱۳

۱-۲- مستندات ۱۴

۱-۲- کاربرد قاعده نفی سییل در عرصه سیاست بین الملل ۱۷

۱-۲- اعزام دانشجویان به خارج از کشور و قاعده نفی سییل ۲۴

۱-۲- سند ۲۰۳۰ و قاعده نفی سییل ۲۹

۲-۲- قاعده "لاضرر" ۳۲

۱-۲-۲- مفهوم قاعده لاضرر ۳۲

۲-۲- مستندات ۳۳

۲-۲- کاربرد قاعده لاضرر در سیاست بین الملل ۳۹

۲-۲- مذاکرات هسته‌ای و قاعده لاضرر ۴۰

۲-۲- حمایت جمهوری اسلامی ایران از سوریه و قاعده لاضرر ۴۳

فصل سوم: ضوابط فقهی حاکم بر تعامل دول مسلمان با دول غیر مسلمان حربی (دارالحرب) ۴۶

۴۷	۱-۳ قاعده "اعتداء به مثل"
۴۷	۱-۱-۳ مفهوم قاعده اعتداء به مثل
۵۰	۲-۱-۳ مستندات
۵۳	۳-۱-۳ کاربرد قاعده مقابله به مثل در عرصه سیاست بین الملل
۵۶	۴-۱-۳ استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و قاعده مقابله به مثل
۶۰	۲-۳ قاعده "الزام"
۶۱	۱-۲-۳ مستندات
۶۶	۲-۲-۳ کاربرد قاعده الزام در عرصه سیاست بین الملل
۶۸	۳-۲-۳ برخی مصادیق قاعده
۷۶	فصل چهارم: ضوابط فقهی تعامل دول مسلمان با دول غیر مسلمان غیر حربی (دارالهدنه)
۷۷	۲-۴ قاعده "دعوت"
۷۸	۱-۲-۴ مفهوم قاعده دعوت
۷۹	۲-۲-۴ مستندات
۸۲	۳-۲-۴ کاربرد قاعده دعوت در سیاست بین الملل
۸۶	۴-۲-۴ صدور انقلاب و قاعده دعوت
۹۰	۲-۴ قاعده "وداد"
۹۰	۱-۲-۴ مفهوم قاعده وداد
۹۰	۲-۲-۴ مستندات
۹۱	۳-۲-۴ کاربرد قاعده وداد در عرصه سیاست بین الملل
۹۳	۴-۲-۴ روابط ایران - روسیه و قاعده وداد
۹۶	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۹۸	منابع فارسی
۹۸	کتاب
۹۹	مقاله
۱۰۲	منابع عربی

فصل اول

کلیات و مفاهیم

۱- بیان مسأله:

بی گمان، سرنوشت جوامع بشری چنان به یکدیگر تنیده است که نه تنها برای هیچ ملتی ممکن نیست جدا از دیگر ملت‌ها بزید که عوامل حیاتی زیادی همه جامعه‌ها را به همکاری و تعاون با یکدیگر فرا می‌خواند، تا آن جا که امروز روابط دولتها با یکدیگر، مانند روابط بین افراد کشور، شهر و محله است و هر چه پیش می‌رود این ارتباط و وابستگی بیش تر می‌گردد.

روابط بین‌الملل در فقه شیعه از آغاز تدوین کتب فقهی و با الهام از روایات امامان علیهم‌السلام مورد بررسی قرار گرفته است. این موضوع از جمله موضوعاتی می‌باشد که به تفصیل و با دقت تحقیق شده است؛ هر چند امامان معصوم شیعه، جز معدودی از آنها، مورد ستم قرار گرفته و از منصب حکومت اسلامی بر کنار بوده و توان تشکیل حکومت را پیدا نکردند و شرایط فراهم ساختن روابط کشور اسلامی را با دیگر کشورها به دست نیاوردند. اما در این راستا از بیان آن چه لازم بوده، کوتاهی نکرده و ملت مسلمان را به وظایف دینی در این رابطه ارشاد کرده‌اند. لکن در دوره غیبت که امت اسلام از وجود امام معصوم در فرماندهی جامعه و اداره امور اجتماعی بی‌بهره است شرایط روابط با ملت‌های غیرمسلمان با زمان حضور امام تفاوت دارد و چگونگی ارتباطات در این دو دوره از زمان با هم متفاوت است.

در پارادایم کلاسیک جامعه‌شناسی سیاسی، مفاهیمی چون دولت ملی، رابطه طبقه محکوم و جامعه، طبقه حاکم، نخبگان سیاسی، احزاب و پایگاه اجتماعی رژیم‌های سیاسی غلبه داشته‌اند؛ در حالی که در پارادایم جدید، ساختارهای اقتدار در سطح جهانی، رابطه میان حکومت‌ها و فرآیندهای جهانی شدن در عرصه اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ارتباطات، هویت‌های فراملی طبقاتی، بخش‌های اجتماعی فراملی و غیره اولویت یافته‌اند.

بنابراین با توجه به اینکه در جهان امروز، ارتباطات مؤلفه‌ای از قدرت است، فقه سیاسی می‌بایست این ارتباط را نهادینه کند تا برای نظام سیاسی تولید قدرت نماید.

«جهانی بودن اسلام» به این معناست که این دین، به هیچ قوم، ملیت، نژاد و اقلیمی اختصاص ندارد، بلکه همه انسان‌ها را از هر ملیت و نژادی که باشند و در همه عصرها در بر می‌گیرد. از همین رو معارف قرآن کریم در همه قرن‌ها و در همه فرهنگ‌ها تا روز قیامت جاودانه است. آنجا که دلالت علمی این باور کلامی آن است که اسلام دینی جهان شمول است، ضروری است فقه اسلامی بتواند الگویی از تعامل کشورهای مسلمان با کشورهای غیر مسلمان را دلالت نماید. البته ضرورت ارتباط کشورها و دولتهای اسلامی با یکدیگر در محدوده دارالاسلام فقهی، مسأله‌ای غیر اختلافی است.

ارتباط کشورهای مسلمان و غیر مسلمان به لحاظ فقهی از دو منظر قابل تحلیل است: ۱- از منظر میزان تامین منافع ملی ۲- از منظر میزان تامین مصالح امت اسلامی، به عبارت دیگر در صورتی که بین منافع ملی و مصالح امت اسلامی تضاد برقرار باشد فقه اسلامی کدامیک را مقدم می‌دارد. وجود یک سری قواعد عام و شامل در فقه سیاسی مقتضی نوعی تعامل خاص میان کشورهای مسلمان و غیر مسلمان است که ضوابط فقهی آن را تبیین می‌نماید.

در این نوشته بر آنیم تا ضوابط تعامل بین دول اسلامی و غیر اسلامی را بر اساس مبانی دینی مورد بررسی و احصاء قرار دهیم. این ضوابط بسان نقشه راهی برای چگونگی برقراری رابطه با دول غیر اسلامی عمل می‌نمایند.

۲- سوال اصلی تحقیق:

فقه سیاسی شیعه چه ضوابطی برای تعامل میان دول اسلامی و غیر اسلامی تجویز می‌کند؟

۳- سوالات فرعی:

۱- ضوابط فقهی عام و مشترک در تعامل با دول اسلامی و غیر اسلامی کدام‌اند؟

۲- ضوابط فقهی تعامل دول اسلامی با دول غیر اسلامی حربی کدام‌اند؟

۳- ضوابط فقهی تعامل دول اسلامی با دول غیر اسلامی غیرحربی کدام‌اند؟

۴- اهمیت مساله و ضرورت تحقیق:

۱- این تحقیق به طراحی و تدوین ضوابط فقهی برای تعامل دول اسلامی و غیر اسلامی بر وجه اسلامیت دول اسلامی تحفظ می‌ورزد.

۲- این تحقیق تلاشی است برای امتداد اجرایی دادن به مستنبطات فقهی در عرصه بین الملل

۳- رقابت تمدنی دول اسلامی و غیر اسلامی ضرورتاً از مجرای قوانین اسلامی تحقق خواهد یافت. برای تحقق تمدن اسلامی ناگزیر باید الگوی ارتباط بر مبنای اسلامی استوار گردد. چرا که در صورت اخذ این الگو از تمدن‌های غیر اسلامی دیگر وجهی برای مقایسه رقابت وجود ندارد.

۵- پیشینه تحقیق:

۱- پایان‌نامه (قاعده نفی سبیل و تاثیر آن بر قوانین نویسنده: سمانه رامه) قاعده نفی سبیل در مورد عدم سلطه کافر بر مسلمان می‌باشد با توجه به گستردگی دامنه روابط انسانها در دوران معاصر در اثر پیشرفت صنعت و تکنولوژی و گسترش ارتباطات علمی و آموزشی و فراوانی سفرهای فرهنگی و تفریحی و مطرح شدن مسائلی مانند حقوق بشر در جوامع بین‌المللی و پدید آمدن سازمانهای بین‌المللی توسط دولت‌های غیر مسلمان که سلطه آنان را به همراه دارد، و نیز با توجه به اینکه قدرت برتر اقتصادی، نظامی، سیاسی، تبلیغاتی جهان در دنیای کنونی در اختیار دولت‌های غیر مسلمان است، خود به خود مسائلی مطرح می‌گردد که باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در این نوشتار به بررسی قاعده نفی سبیل و مفهوم شناسی آن و اصولی که باعث مزیت این قاعده گشته است پرداخته شده و با مطالعه آموزهای دینی از منابع معتبر از جمله قرآن و روایات، جایگاه قاعده نفی سبیل را در روابط بین مسلمان و کافر مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت استثنائات وارد بر این قاعده مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- ساداتی نژاد در کتاب خود با عنوان «فقه روابط بین‌الملل» به بررسی مفاهیم مهم دارالسلام، دارالکفر، دارالحزب و سایر مفاهیم سرزمینی در فقه روابط بین‌الملل پرداخته است و پس از بررسی نظرات فقها در چهار دوره فقهی پیش از صفویه، صفویه، مشروطه و انقلاب اسلامی نقشه جهان امروز را بر اساس این مفاهیم استخراج کرده است. این کتاب دارای چهار فصل بوده است که در

فصل اول به بررسی مفاهیم دارالاسلام و دارالکفر پرداخته شده و نظرات فقها در چند دوره فقهی تا انقلاب اسلامی مورد کنکاش و دسته بندی قرار گرفته است.

در فصل دوم کتاب، تمامی کشورهای جهان بررسی و نقشه جهان بر اساس مفاهیم دارالاسلام و دارالکفر تهیه و ترسیم شده است و در فصل سوم کتاب نیز به بررسی انواع دارها در ذیل دو مفهوم کلی دارالاسلام و دارالکفر پرداخته شده و نظرات فقها طی چهار دوره فقهی تا دوران انقلاب اسلامی مورد استخراج قرار گرفته است.

آخرین فصل کتاب تمامی کشورهای جهان را از منظر این دارها بررسی و در نهایت نقشه جهان بر اساس انواع دارها، تهیه و ترسیم شده است.

۲-عباسعلی عمید زنجانی نیز دارای کتابی با عنوان «حقوق تعهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام» است که برای دانشجویان رشته علوم سیاسی و حقوق در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی دروس «فقه سیاسی، حقوق بین الملل اسلامی، دیپلماسی و رفتار سیاسی» در اسلام تدوین شده است.

در میان مباحث مختلف فقه و حقوق اسلامی شاید بخش‌های مربوط به فقه سیاسی بیشتر از هر بخش دیگر فقه، حالت نظریه‌پردازی و خصلت کلی‌گویی دارد و در این میان، جنبه‌های نظری مباحث حقوق بین‌الملل اسلام از دیگر مباحث بیشتر است. امروزه تحولات بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و رخدادها و پیامدهای استقرار نظام اسلامی در ایران در بُعد منطقه‌ای و جهان اسلام و نیز در سطح بین‌المللی می‌تواند گواهی بر ضرورت کاربردی کردن فقه اسلامی باشد. قراردادی کردن روابط بین‌الملل یکی از اصولی‌ترین راه‌حل‌های بنیادی است که اسلام در مباحث حقوقی بر آن تأکید می‌ورزد. این تأکید در آن حد است که از دیدگاه قرآن، در صورت شکست خوردن این روش اصولی در روابط بین‌الملل، هیچ راه حلی جز مخاصمات مسلحانه باقی نمی‌ماند. مطالب کتاب در شش فصل تنظیم شده است. بخش پایانی کتاب شامل ضمیمه‌ای با عنوان احکام اهل «ذمه» و منابع است.

۳-«مبانی فقهی روابط بین الملل»، عنوان کتاب دیگری است که توسط محمود علوی نگاشته شده است. این کتاب با محوریت اسلام و روابط بین الملل، علوم سیاسی، فقه و سیاست منتشر شده است. انسان و روابط اجتماعی، اسلام سازنده ترین مکتب، روابط بین الملل، حقوق (سیاست

خارجی)، روابط با کشورهای اسلامی، روابط با کشورهای غیر اسلامی، رابطه با اهل کتاب، مذاکره انتقادی و فقه حدیث از جمله موضوعات مورد بحث این کتاب هستند.

در این کتاب پس از اشاره به نقش روابط در زندگی انسان ها و تعریفی از روابط بین الملل و سیاست خارجی، به دیدگاه اسلام در این خصوص اشاره شده است. بخش بعدی، نگرش قرآن به عهد و پیمان، بحث بسترسازی است که از زاویه کلی نگرانه بدان پرداخته شده است. در ادامه درباره ی قاعده ی "اصالت لزوم در عقود" توضیحاتی فراهم آمده که در بحث از این قاعده، ابتدا به جایگاه آن در روند فقه و فقهات و تمسک فقها به آن در موارد مختلف فقه توجه شده و سپس به دلایل اثباتی قاعده؛ اعم از قرآن، روایات و استحساب و به ویژه بنای عقلا پرداخته شده است.

بر مبنای نگرش امام راحل، پذیراترین دلیل در این خصوص بنای عقلا تشخیص داده شده است. در بحث روایات، ابتدا نحوه ی نقل یک حدیث در مجموعه های حدیثی شیعه و اهل سنت بازگو شده و پس از آن به ارزیابی سند حدیث و شناسایی راویان آن و برآوردن میزان اعتبار حدیث پرداخته شده و در ادامه از طریق واژه شناسی به مسیر فهم دلالت روایت و درک بهتر محتوای آن اشاره گردیده است، در پایان برای عرضه ی چند مصداق، نمونه هایی از پیمان های رسول خدا بیان شده است.

در بخش بعدی بحث درباره ی قاعده ی "نفی سبیل" مطرح گردیده با همان نهج و سیاق قاعده ی قبل و در ادامه نگاه اسلام به قراردادهای بین المللی بررسی شده است. در بخش بعدی به ترسیم جغرافیای سیاسی جهان از دیدگاه اسلام پرداخته شده است. و در بخش پایانی قاعده ی "نفی عسر و حرج" با همان شیوه ی دو قاعده پیش به بحث گذاشته شده است؛ ضمن آن که گستره ی آن و نقش و تاثیر بر دلایل احکام اولیه بازگو شده است.

۴- کتاب «فقه روابط بین الملل مروری بر نظرات فقهی شش فقیه شیعه در حوزه روابط بین الملل»، به قلم دکتر سید محمد ساداتی نژاد در تلاش است تا به استخراج نگاه فقهی فقهای شیعه به روابط بین الملل بپردازد و بر این اساس، ۶ تن از فقهای بزرگ شیعه در سه دوره، انتخاب و نگاه فقهی آنها به روابط بین الملل استخراج شده است. این دوره ها عبارت از دوره انقلاب اسلامی، دوره مشروطه و دوره قبل از مشروطه می باشد. در مجموع در این کتاب، آراء فقهی امام خمینی، امام خامنه‌ای، آخوند خراسانی، شیخ فضل الله نوری، محقق حلی و شیخ طوسی مورد بررسی قرار

گرفته است. وی تلاش کرده تا شناخت هر فقیه به روابط بین الملل زمان خود، تبیین و سپس نگاه فقهی او به حوزه روابط بین الملل با روش شناسی هرمنوتیک اسلامی استخراج گردد. ساداتی معنقد است بسیاری از محققین به تفاوت فقه روابط بین الملل و رشته روابط بین الملل به عنوان دو رشته مجزا و متفاوت از هم واقف نیستند و همین مسئله موجب می شود تا این تصور شکل بگیرد که برخی مفاهیم فقهی مانند دارالاسلام و دارالحرب در جامعه امروز کارائی خود را از دست داده است. این در حالی است که مفاهیم فقهی در حوزه روابط بین الملل همچنان توسط فقهای معاصر مورد استفاده برای استخراج احکام شرعی در حوزه روابط بین الملل قرار گرفته است.

۵- ابوالقاسم علی دوست در کتاب «فقه و حقوق قراردادهای ادله عام روایی» اظهار می دارد: فقیهان اسلام گفت و گو از معاملات را عموماً در دو قالب به سامان رسانده اند: اول- در قالب بیان مسائل خرد فقهی معاملات؛ دوم- در قالب ارائه قواعد و ضوابط عام فقهی. وی در این کتاب گونه‌ای دیگر از مباحث لازم در اطراف معاملات را به منصفه ظهور رسانده است. و آن گفت و گو از ادله عام قراردادهای است. این کتاب ادله عام روایی قراردادهای را با نگاه فقهی و حقوقی مورد گفت و گو قرارداده است.

هریک از این منابع به بررسی جوانبی از موضوع این پایان نامه اشاره می کند و هیچ یک به احصاء ضوابط فقهی ناظر به روابط بین دول اسلامی و غیر اسلامی در عرصه بین الملل نپرداخته‌اند.

۶- نوآوری تحقیق:

بر اساس مطالعات صورت گرفته به نظر می رسد که پژوهش‌های انجام شده در رابطه با فقه بین الملل بیشتر به مباحث کلی در این زمینه پرداخته و به صورت موردی به احصاء ضوابط فقهی نپرداخته است. لذا می توان گفت از این دیدگاه، تاکنون پژوهشی عمیق و جامع، با شمارش ضوابط فقهی پرکاربرد در عرصه حقوق بین الملل، صورت نگرفته است. رویکرد این تحقیق از آنجاکه در جهت ایجاد پیوند بین علم فقه و روابط بین الملل بوده و این ضوابط فقهی را برشمرده است جدید و نو می باشد.

۷- اهداف تحقیق:

۱- فراهم آوردن زمینه‌ای برای بسط اسلام به خارج از دارالاسلام

۲- آماده سازی بستر دفاع از مسلمانان اقلیت در سرزمین‌های غیر اسلامی

۳- آماده سازی برای حاکمیت ضوابط اسلامی در روابط بین‌الملل

۴- تضمین اسلامیت سیاست خارجی دول اسلامی

۸- چارچوب مفهومی:

۱-۸-۱ قاعده فقهی:

قواعد فقه در واقع آن دسته از فرمول‌های کلی به‌شمار می‌روند که به وسیله آن می‌توان قوانین محدودتر را درک کرد و صرفاً به یک مورد خاص تعلق ندارند بلکه اساس فهم و درک بسیاری از قوانین قرار می‌گیرند.^۱

این قواعد از یک جهت، جزیی از مسائل فقه و از جهتی دیگر جزیی از مسائل دانش اصول به‌شمار می‌روند. برخلاف مسائل علم اصول که صرفاً واسطه‌ای برای کشف احکام هستند قواعد فقه نه تنها واسطه هستند بلکه خودشان احکام نیز به‌شمار می‌روند. مثلاً قاعده لاضرر و لا ضرار، یک حکم شرعی محسوب می‌شود. بر خلاف مسائل فقه، قواعد فقه اموری عام و شامل هستند نه این که خاص و موردی باشند.^۲

لازم به ذکر است در این پژوهش ضابطه فقهی در معنای قاعده فقهی اخذ شده است.

۱-۸-۲ دول مسلمان:

حکومت اسلامی نوعی از حکومت دینی در جوامع مسلمان که حزب یا اشخاص حاکم معتقد به برتری اسلام، سعی در پیاده سازی قوانین بر پایه احکام و معارف اسلامی دارند. به عبارت دیگر، مقصود از حکومت اسلامی، حکومتی است که تمامی ارکان آن بر اساس دین اسلام شکل گرفته‌است. در این پژوهش منظور از اسلامی بودن، اسلامی بودن حکومت و قوانین آن می‌باشد و مسلمان بودن مردم این کشورها در اسلامی بودن دول، لحاظ نشده است.

۱-۸-۳ عرصه بین‌الملل:

^۱ جمعی از محققان، فرهنگ نامه اصول فقه، ۱ جلد، ۱۳۹۷، مرکز اطلاعات و منابع انسانی، ص ۶۴۸.
^۲ سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه بخش مدنی (مالکیت و مسئولیت)، ۱۳۹۴، مرکز نشر علوم اسلامی، ص ۲-۳.

مفهوم روابط بین‌الملل که ناظر به تعاملات بازیگران دولت ملی است، پس از عهدنامه صلح وستفالی در ۱۶۴۸ به لحاظ تاریخی شکل گرفته است. رشته مطالعه روابط بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم ابتدا بر اساس نظریه‌پردازی‌های رئالیستی و سپس تحت تأثیر نظریه‌های لیبرالیستی، مارکسیستی مکتب انتقادی و نظریات پست‌مدرنیستی موسع گشته و ضمن شمول مصداقی بازیگران غیر دولتی از نهادهای بین‌المللی گرفته تا حتی افراد، حوزه داخلی و خارجی مرزهای جغرافیایی کشورها را در نوردیده و متداخل کرده است. بعد از فروپاشی بلوک شرق و شکل‌گیری پدیده جهانی شدن و نیز انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات، برخی از اندیشمندان حوزه روابط بین‌الملل بر این باورند که حوزه روابط بین‌الملل از سطح مصداقی بین‌المللی صرف، خارج و تبدیل به مفهومی جهانی شده است. طرح مفاهیمی مانند: «جامعه جهانی»، «جهانی شدن»، «جهان وطنی» و ... ناظر به همین مسئله است. اما هنوز اصطلاح رایج علمی و مطالعاتی آنها همان مفهوم «روابط بین‌الملل» است.^۱

منظور از عرصه بین‌الملل در پژوهش حاضر، روابط بین دولت اسلامی با سایر دولت‌ها اعم از اسلام و غیر اسلامی می‌باشد.

۱-۸-۴ فقه سیاسی:

فقه سیاسی در همگانی‌ترین و پذیرفته‌ترین تعریف خود، علم به احکام از گذر شناخت ادله تفصیلی آنها دانسته شده است. اگر این علم به به احکام موضوعات معاملاتی تعلق یابد فقه معاملاتی شکل می‌گیرد و اگر به احکام موضوعات عبادی تعلق گیرد فقه عبادی به دست می‌آید و اگر به احکام موضوعات سیاسی متعلق شود، فقه سیاسی پدیدار می‌شود. بنابراین نقطه تمایز بخش و تفکیک‌آفرین میان گونه‌ها یا گرایش‌های فقهی، موضوعات آنها است. البته نباید فراموش کرد که همه آموزه‌ها و احکام اسلامی می‌توانند حاوی خصلت‌هایی از بخش‌هایی غیر از گرایش اصلی خود در فقه باشند.^۲

^۱ امید وقوفی و جواد حق گو، اندیشه امام خمینی (ره) و غیریت‌سازی از گفت‌مان حاکم بر روابط بین‌الملل، نشریه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳، ص ۲۵۸.

^۲ احمد مبلغی، فقه سیاسی، فصلنامه علمی پژوهشی فقه، سال بیست و هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰، ص ۳.

فقه شیعه به عنوان یکی از کامل‌ترین مراجع حکومت‌داری، حاوی دستورالعمل‌های جامعی در حوزه سیاست و خاصه ارتباطات بین‌الملل می‌باشد. این پژوهش به بررسی ضوابط فقهی که هر دولت اسلامی در حوزه روابط بین‌الملل به آن احتیاج دارد می‌پردازد.

۹- سازمان‌دهی تحقیق:

در فصل اول پایان‌نامه، به کلیات مرسوم در پژوهش یعنی بیان موضوع و مسئله، سوالات، تعریف مفاهیم و ... پرداخته می‌شود. در فصل دوم به بررسی بررسی ضوابط عام فقهی تعامل دول مسلمان با دول غیر مسلمان در عرصه روابط بین‌الملل اشاره می‌شود. در این فصل دو قاعده لاضرر و نفی سبیل مورد بررسی قرار می‌گیرند. فصل سوم تحت عنوان ضوابط فقهی حاکم بر تعامل دول مسلمان با دول غیر مسلمان حربی (دارالحرب) با بررسی سه قاعده اعتداء به مثل، الزام و انتقام ادامه می‌یابد. ضوابط فقهی تعامل دول مسلمان با دول غیر مسلمان غیر حربی (دارالهدنه) عنوان فصل چهارم می‌باشد که قاعده نفی و داد و دعوت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل دوم:

ضوابط عام فقهی حاکم بر تعامل دول مسلمان با دول غیر مسلمان

۱-۲ قاعده "نفی سبیل"

قاعده «نفی سبیل» مبین یکی از مهم‌ترین اصول استراتژیکی سیاست خارجی نظام سیاسی اسلام می باشد. فقها برای اثبات قاعده نفی سبیل و سلطه کافر بر مسلم به ادله اربعه استناد نموده‌اند.

یکی از قواعد حائز اهمیت و معروف در فقه اسلامی قاعده نفی سبیل یا نفی سلطه کافر بر مسلمان است که در باب معاملات بالخاص در سیاسات و اقتصادیات و نیز در کلیه روابط فیما بین جامعه اسلامی و جوامع غیرمسلمان و نیز در روابط فردی مسلمانان با کافران به صورت یک قانون کلی حاکم می‌باشد.

برای بررسی اهمیت این قاعده و محدوده کاربرد آن توجه باین نکته کافیست که اصل استقلال و آزادی مسلمین و حفظ عزت و کرامت جامعه اسلامی و در نهایت تحقق آرمان پیروزی اسلام «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۱ و هدف نهایی جهاد «لَا تَكُونُ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»^۲ به اجرای دقیق این قاعده در کلیه روابط و مناسبات بستگی دارد و نیز اگر دقت شود که کلیه عقب ماندگیها و انحطاطها و سلطه‌هایی که دنیای استکبار بر جهان اسلام پیدا کرده و آن همه مفساد و نکبتها که ناشی از این فاجعه گردیده، کلاً از عدم مراعات این قاعده حقوقی اسلامی در مناسبات فیما بین سرچشمه گرفته است بی شک به اهمیت کاربرد این قاعده هم بیشتر پی می‌بریم. قاعده‌ای که پایه و اساس عزت و سرافرازی و پیروزی مسلمین و یا منشأ خفت و زبونی و انحطاط و نابودی مسلمین است.^۳

۱ . توبه(۹) آیه ۳۳.

۲ . بقره(۲) آیه ۱۹۳.

۳ عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ۷ جلد، صفحه: ۷۱۵، امیر کبیر، تهران - ایران، ۱۳۷۷ ه.ش، ج ۷، ص ۷۰۵-۷۰۶.

سبیل و سلطه، نوعی ولایت و اختیارداری است که به صاحب آن مشروعیت می‌دهد که نسبت به طرف مقابل برتری و اعمال اقتدار نماید.^۱

اختیار و اقتداری که شریک در خریدن و تملک سهم فروخته شده علیرغم اشتراک شخص ثالث و تملک وی در مورد شفعه دارد و می‌تواند با اجرای عقد به طور قهری سهم شریک خود را تملک نماید و یا اختیار و اقتداری که ولی مقتول در اجرای قصاص از قاتل دارد مصداق و نمونه سبیل و سلطه‌ای است که در این قاعده منظور شده است. هرگاه چنین اختیار و اقتدار سلطه‌آمیزی از طرف غیرمسلمان بر علیه مسلمانی اعمال گردد موضوع قاعده «نفی سبیل» و یا «نفی سلطه» کافر بر مسلمان صدق پیدا کرده و بر اساس قاعده هر حکمی که مستلزم چنین سلطه‌ای باشد در اسلام منتفی است.^۲

بدیهی است حقی که کافر نسبت به دریافت دینی که بر عهده مسلمانی دارد اعمال می‌کند نمی‌تواند مورد سبیل و سلطه باشد. زیرا اعمال چنین حقی هرگز توأم با برتری و اعتلا نیست. از این رو نفی سبیل و سلطه کافر بر مسلم به معنی نفی هر نوع حق مشروعی که بر اثر بیع و هبه و رهن و سایر معاملات بوجود می‌آید نیست و قاعده شامل آن نوع اختیارات و سلطه‌ایست که نوعی تفوق و استیلاء را ایجاب نماید.^۳

بررسی فرق فیما بین دین وارث که اولی از قاعده خارج و دومی مشمول قاعده می‌باشد مفهوم سبیل و سلطه در قاعده را روشن می‌سازد. غیرمسلمان وقتی دین مشروع خود را از مسلمان مطالبه می‌کند، هرگز قهر و غلبه و استیلائی در اعمال چنین حقی مشاهده نمی‌شود ولی وقتی غیرمسلمانی با وجود وارث مسلمان از مورث کافر یا مسلمان ارث می‌برد، مستلزم شر و نقص و ضعف بر مسلمان به جای وارث بردن مسلمان به جای وارث کافر، قوت و شدت و عزت محسوب می‌شود. اما هنگامی که مورث مسلمان برای فرزند کافر خویش وصیت می‌کند چنین حقی تسلیط و سبیل محسوب نمی‌گردد. شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه ارث کافر را با وجود وارث مسلمان به دلایلی و از آن جمله به استناد «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه» نفی می‌کند.^۴

^۱ همان، ص ۷۰۶.

^۲ همان، ص ۷۰۶.

^۳ همان، ص ۷۰۶.

^۴ عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ۷ جلد، صفحه: ۷۱۵، امیر کبیر، تهران - ایران، ۱۳۷۷ ه.ش، ج ۷، ص ۷۰۶-۷۰۷.